

ولی الله فریادرس\*، دکتر رضا مقدسی\*

### چکیده

ایران نیز همچون کشورهای دیگر به منظور تطابق ساختار تجاری خودش با موازین بین‌المللی و حرکت به سمت آزادسازی تجاری در سالهای اخیر قدمهایی برداشته است. حذف موانع غیرتعرفه‌ای و معادلسازی آنها با تعرفه در ماده ۱۱۵ قانون برنامه سوم و ماده ۳۳ قانون برنامه چهارم به وضوح تصریح شده است. در این راستا در سال ۱۳۸۲ برای اولین بار سعی شده است جریان تجاری به حمایت‌های تعرفه‌ای متکی شود و موانع غیرتعرفه‌ای حذف و معادل تعرفه‌ای جایگزین آن گردد. گزینش روش مناسب کمی سازی موانع غیرتعرفه‌ای و تعیین معادلهای تعرفه‌ای برای آنها، حداقل از دو منظر اساسی درخور توجه جدی است. از بعد مطالعاتی اشتباه

---

۱. بخش عمده این مقاله برگرفته از پژوهشی است تحت عنوان "بررسی روشهای مختلف کمی سازی موانع غیرتعرفه‌ای (کاربرد موردی بخش کشاورزی)" که در سال ۱۳۸۳ در مؤسسه پژوهشهای برنامه ریزی و اقتصاد کشاورزی انجام گرفته است.

\* پژوهشگران مؤسسه پژوهشهای برنامه ریزی و اقتصاد کشاورزی

e-mail: faryadras@gmail.com

e-mail: r.moghaddasi@lycos.com

احتمالی در مقداری کردن این موانع موجب اریب نتایج مطالعاتی متکی به این اندازه ها (همچون بررسی اثرگذاری این موانع بر جریان تجارت و رفاه اجتماعی) خواهد شد. از منظر سیاستگذاری و اجرایی اشتباه محاسباتی در این زمینه منجر به تعیین معادلهای تعرفه‌ای اشتباه و در نتیجه عدم حمایت مناسب از تولیدات داخلی یا حمایت‌های بیش از اندازه و غیرضرور می‌گردد. لذا لازم است روشهای مختلف کمی سازی و تعیین نرخهای معادل تعرفه‌ای برای گزینش روش مناسب مقایسه و ارزیابی شوند. در مطالعه حاضر این مهم در حد آمار و اطلاعات موجود بر روی محصولات کشاورزی ایران طی دوره ۱۳۷۶-۸۲ بررسی شده است. یافته های تحقیق نشان می دهد که کاربردی ترین روش در مطالعات محصولی، رویکرد شکاف قیمتی است و بررسی معادلهای تعرفه ای در بخش کشاورزی ایران با این روش گویای این واقعیت است که در اکثر محصولات روندی افزایشی بر معادلهای تعرفه ای حاکم بوده و نتایج معادل تعرفه ای در مطالعات مختلف از حیث علامت عمدتاً سازگار اما از لحاظ عددی نتایج متفاوت بوده است. همچنین وضعیت معادل تعرفه ای با استفاده از روش شکاف قیمتی نشان می دهد که تولیدات گوشتی، غلات، برخی از سبزیها و حبوبات در تمام دوره یا در سالهای پایانی معادل تعرفه ای مثبت داشته اند. معادل تعرفه ای بیشتر محصولات باغی، تولیدات لبنی و تخم مرغ و عسل و برخی از سبزیها نیز منفی بوده است.

#### کلید واژه‌ها:

موانع غیر تعرفه ای، معادل تعرفه ای، شکاف قیمتی، بخش کشاورزی

#### مقدمه

قبل از جنگ جهانی اول، موانع غیرتعرفه‌ای در عرصه تجارت کشاورزی عمدتاً به محدودیتها و موانع تجاری منحصر می شد. اما در دهه های ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰ تعداد زیادی از روشهای حمایتی شامل: سهمیه ها، مجوزها، ممنوعیتها، یارانه های صادراتی، ترتیبات دوجانبه، تجارت دولتی و محدودیتها و قوانین محدودکننده درباره مسائل بهداشتی و سلامتی در عرصه تجارت کشاورزی پدیدار گردید. در همین دوره تعرفه های کشاورزی نیز افزایش یافت. بعد

از جنگ جهانی دوم، حمایت‌های کشاورزی باز هم افزایش یافت. در سال ۱۹۴۷ در مذاکرات گات کاهش تعرفه‌های کشاورزی مورد توجه قرار گرفت اما توجه اندکی به موانع غیرتعرفه‌ای معطوف گردید. محدودیت‌های غیرتعرفه‌ای کشاورزی بعد از کاهش تعرفه‌ها در دور کندی در فاصله سالهای ۱۹۶۳-۶۷ افزایش یافت. در این دوره موانع غیرتعرفه‌ای نسبت به موانع تعرفه‌ای اثرگذاری بیشتری بر جریان تجارت داشتند. اساساً قبل از مذاکرات دور اروگوئه مذاکرات آزادسازی تجاری، محصولات کشاورزی را شامل نمی‌شد. برخی از کشورها روشهای ساده کنترل مرزی را در تجارت محصولات کشاورزی اعمال می‌نمودند، در حالی که برخی دیگر مانند اتحادیه اروپا سیستم پیچیده مالیات متغیر<sup>۱</sup> را اعمال می‌کردند. در این سیستم با استفاده از عوارض مشابه پس از گمرک برای تمامی کالاهای وارده قیمت ثابت نگه داشته می‌شود و تعرفه کالا با کاهش قیمت محصولات افزایش می‌یابد، در نتیجه قیمت مصرف‌کننده ثابت می‌ماند. برخی از کشورها نیز به منظور تثبیت قیمت به هنگام افزایش قیمت داخلی، واردات را آزاد و به هنگام کاهش آن را ممنوع می‌کردند. این اقدامات اگرچه قیمت‌ها را در کشورهای مصرف‌کننده تثبیت می‌کرد اما در سطح بین‌المللی به علت دامن زدن به نوسانهای قیمت بین‌المللی نامناسب ارزیابی شد. عدم تطابق ساختار تجاری بخش کشاورزی با سایر بخشها، دورنمای ناامیدکننده تجارت محصولات کشاورزی و حاکمیت رژیمهای متنوع و متفاوت بر تجارت محصولات کشاورزی در کشورهای مختلف باعث گردید تا در دور اروگوئه مذاکره‌کنندگان برای رسیدن به یک نتیجه مشترک در زمینه تجارت این محصولات تلاش زیادی کنند. کشورها توافق کردند تا تمامی موانع واردات به جزء موانع بهداشتی و تأمینی، فقط به شکل تعرفه باشد و مقرر شد تمامی موانع غیرتعرفه‌ای به تعرفه تبدیل شوند که این عمل را تعرفه‌ای کردن نامیدند. هم‌اکنون نیز کاهش موانع غیرتعرفه‌ای مورد توجه جدی است و انتظار می‌رود اعضای سازمان جهانی تجارت به دنبال کاهش هر چه بیشتر موانع غیرتعرفه‌ای باشند. از این رو کاهش موانع غیرتعرفه‌ای و معادلسازی آنها با موانع تعرفه‌ای از اهداف جدی آزادسازی تجاری محسوب می‌شود.

---

۱. variable levy

ایران نیز به منظور تطابق ساختار تجاری کشور با موازین بین‌المللی و حرکت به سمت آزادسازی تجاری قدمهایی برداشته است. حذف موانع غیر تعرفه‌ای و معادلسازی آنها با تعرفه در ماده ۱۱۵ قانون برنامه سوم و ماده ۳۳ قانون برنامه چهارم به وضوح تصریح شده است. در این راستا در سال ۱۳۸۲ برای اولین بار سعی شده است جریان تجاری به حمایت‌های تعرفه‌ای متکی گردد و موانع غیر تعرفه‌ای جایگزین معادل تعرفه‌ای شود.

کمی سازی موانع غیر تعرفه‌ای پیچیده و آثار آن بر تجارت به سختی قابل اندازه‌گیری است. اقتصاددانان برای کمی سازی موانع غیر تعرفه‌ای از روش‌های مختلفی نظیر نرخ معادل تعرفه، اندازه‌های فراوانی، روش پیمایشی و ... سود جسته و می‌جویند. گزینش روش مناسب کمی سازی موانع غیر تعرفه‌ای و تعیین معادلهای تعرفه‌ای برای آنها حداقل از دو منظر اساسی درخور توجه جدی است. از بعد مطالعاتی اشتباه احتمالی در مقداری کردن این موانع موجب اریب نتایج مطالعاتی متکی به این اندازه‌ها (همچون بررسی اثرگذاری این موانع بر جریان تجارت و رفاه اجتماعی) خواهد شد. از منظر سیاست‌گذاری و اجرایی اشتباه محاسباتی در این زمینه منجر به تعیین معادلهای تعرفه‌ای اشتباه و در نتیجه عدم حمایت مناسب از تولیدات داخلی یا حمایت‌های غیر ضرور خواهد شد. با توجه به بحث پویایی قیمت‌ها و در نتیجه معادلهای تعرفه‌ای و عدم مطالعه معادلهای تعرفه‌ای در مورد کل محصولات (به شرط در اختیار بودن اطلاعات قیمتی) و ضرورت مقایسه روش‌های مختلف کمی سازی، انجام مطالعه حاضر موضوعیت یافته است. از این رو نیاز است روش‌های مختلف کمی سازی و تعیین نرخ‌های معادل تعرفه‌ای برای گزینش روش مناسب مقایسه و ارزیابی شوند. در مطالعه حاضر سعی شده است این مهم در حد آمار و اطلاعات موجود بر روی محصولات کشاورزی ایران بررسی شود.

### مبانی نظری تحقیق

#### موانع غیر تعرفه‌ای و انواع آن

تعاریف مختلفی از موانع غیر تعرفه‌ای ارائه شده است. بالدوین (Baldwin, 1970) موانع غیر تعرفه‌ای را هر اقدام (معیار) دولتی یا خصوصی‌ای تعریف کرده است که سبب می‌شود کالاها و خدمات یا منابع تولید آنها به طریقی تخصیص یابد که باعث کاهش درآمد

...

واقعی بالقوه جهانی شود. این تعریف مناسب است، اما مشکلاتی در مفهوم درآمد واقعی بالقوه جهانی به کار رفته در آن وجود دارد (Bora, 2003).

والتر در سال ۱۹۷۲ در تعریفی گسترده، هر اقدامی را که جهت و حجم تجارت را مختل کند، مانع غیر تعرفه ای می نامد. تعریف والتر به قدری گسترده است که تعرفه ها را نیز در برمی گیرد (کميجانی و همکاران ۱۳۸۰).

هیلمن در سال ۱۹۹۱ موانع غیر تعرفه ای را هر سیاستی غیر از تعرفه ها که باعث انحراف تجاری شود، تعریف کرده است (Bora, 2003).

موچان و ارمینکو (Movchan & Eremenko, 2003) معتقدند که موانع غیر تعرفه ای، معیارهایی غیر از تعرفه هستند که ارتباط تنگاتنگ با سیاستها و اقدامات دولت در عرصه تجارت دارند و بر سطح قیمتها، ساختار و جریان تجارت و جریان بین المللی کالا و خدمات و منابع مورد استفاده در تولید آنها مؤثرند.

در این تعریف، که تعریف نسبتاً جامعی به نظر می رسد، بر نقش سیاستها و اقدامات دولت تأکید شده است، در حالی که برخی محققان مانند بالدوین معتقدند موانع غیر تعرفه ای را ممکن است بخش خصوصی ایجاد کند. بخش خصوصی از این جهت مستثنی شده است که فعالیتهایش از طریق رقابت، نوآوری فنی و ترجیحات مصرف کننده بر قیمت و مقدار جریان جهانی کالا اثر گذار است، حال آنکه دولتها عمدتاً با ایجاد محدودیت اقدامات خود را پیش می برند. لایرد و وسنار (Laird & Vossenaar, 1991)، دیردوف و استرن (Deardorff & Stern, 1997) و سایرین نیز طبقه بندی هایی از معیارهای غیر تعرفه ای براساس هدف یا درجه اثر گذاری و خصوصیات شکلی آنها ارائه کرده اند که از حوصله بحث خارج است و از پرداختن به آنها صرف نظر شده است.

#### انواع موانع غیر تعرفه ای

ابزارهای غیر تعرفه ای متنوعی در عرصه جهانی و در کشورهای مختلف به کار گرفته می شوند و طبقه بندی های مختلفی از سوی محققان و سازمانهای جهانی از آنها شده است. در تحقیق حاضر فهرست معیارهای غیر تعرفه ای از نگاه سازمان جهانی تجارت ارائه شده است (جدول ۱).

## جدول ۱. فهرست معیارهای غیر تعرفه‌ای GATT/WTO

### • دخالت‌های دولت در تجارت و اعمال محدودکننده مورد قبول دولت

حمایتهای دولتی

مالیتهای جبرانی

خریدهای دولتی

اعمال محدودکننده مجاز شناخته شده توسط دولت

تجارت دولتی، اعمال انحصاری دولت و غیره

### • روشهای اجرایی و گمرکی

عوارض ضد دامپینگ

بازرسی

طبقه بندی های گمرکی

تشریفات کنسولی

نمونه ها

قوانین مبدأ

تشریفات گمرکی

### • موانع فنی

عمومی

مقررات فنی و استانداردها

ترتیبات آزمایش کردن و صدور گواهی

### • محدودیتهای خاص

محدودیتهای مقداری و مجوزهای واردات

موانع و دیگر محدودیتهای با اثر مشابه

سهمیه های مدتدار و دیگر قوانین مختلط

کنترل‌های ارزی

نتایج تبعیض آمیز ترتیبات دوجانبه

تبعیض نسبت به مبدأ

محدودیتهای صادراتی

معیارهای تنظیم قیمتهای داخلی

سهمیه های تعرفه‌ای

مالیتهای صادراتی

ابزارهای مرتبط با بازاریابی مانند برچسب و بسته بندی و دیگر ابزارها

### • عوارض واردات

پیمان سپاری برای واردات

عوارض اضافی، مالیتهای بندری، عوارض آماری و غیره

مالیات تبعیضی علیه فیلم و غیره

محدودیتهای اعتباری تبعیضی

مالیتهای مرزی تعدیلی

اعمال اضطراری

### بررسی روشهای مختلف کمی سازی موانع غیر تعرفه‌ای

در بررسی موانع غیر تعرفه‌ای مسئله اساسی، روش کمی سازی آنهاست. به دلایلی مانند شفاف نبودن موانع غیر تعرفه‌ای، تنوع آنها، آثار متفاوتشان و در دسترس نبودن آمار و اطلاعات، کمی سازی این موانع مشکل است.

تاکنون روشهای مختلفی در کمی سازی موانع غیر تعرفه‌ای مورد استفاده قرار گرفته است که این روشها را می توان با توجه به هدف کمی سازی در دو دسته جداگانه جای داد. چنانچه هدف از کمی سازی، اندازه گیری اثر موانع غیر تعرفه‌ای بر جریان تجارت باشد از یک دسته از روشها استفاده می شود و چنانچه هدف کمی سازی اندازه گیری آثار موانع غیر تعرفه‌ای بر رفاه باشد دسته ای دیگر از روشها را می توان به کار گرفت. از جمله روشهایی که در دسته اول (اندازه گیری اثر موانع غیر تعرفه‌ای بر تجارت) قرار می گیرند می توان به روشهای شکاف (اختلاف) قیمتی<sup>۱</sup>، روش پیمایشی<sup>۲</sup> و مدلهای جاذبه‌ای<sup>۳</sup> اشاره کرد.

روشهای آمار مقایسه‌ای<sup>۴</sup>، تحلیل هزینه و فایده<sup>۵</sup> و تجزیه و تحلیل تعادل عمومی<sup>۶</sup> از جمله روشهایی هستند که در دسته دوم (اندازه گیری اثر رفاهی موانع غیر تعرفه‌ای) کاربرد دارند.

به طور کلی روشهایی مانند شکاف (اختلاف) قیمتی، روش پیمایشی، روش اندازه‌های فراوانی، مدلهای جاذبه‌ای، نرخهای حمایت اسمی و مؤثر کاربرد گسترده ای در کمی سازی و اندازه گیری موانع غیر تعرفه‌ای دارند که در اینجا بسته به هدف تحقیق (که بیشتر دارای رویکرد تأثیر این معیارها در حجم تجارت است) برخی از این روشها بررسی و مقایسه خواهد شد.

- 
۱. price – wedge method
  ۲. surveys method
  ۳. gravity models
  4. comparative statistics
  5. cost - benefit
  6. general equilibrium

مسئله مهم دیگر در زمینه موانع غیر تعرفه‌ای، مشکلات موجود در اندازه‌گیری عملی آنهاست. شکاف عمیقی بین تجزیه و تحلیل تئوریک موانع غیر تعرفه‌ای و اندازه‌گیری آنها وجود دارد. در عمل ایجاد هزینه‌های اضافی و اختلاف قیمتی بین تولیدات داخلی و خارجی عناصر اساسی کمی‌سازی موانع غیر تعرفه‌ای هستند. اما اطلاعات در این زمینه اندک است. حتی زمانی که نتیجه و اثر موانع غیر تعرفه‌ای عیناً قابل مشاهده است، مقدار و اندازه این اثر با کمی‌سازی موانع غیر تعرفه‌ای به دست نمی‌آید.

### روش اختلاف قیمتی<sup>۱</sup>

روش اختلاف (شکاف) قیمتی از جمله روشهایی است که اثر موانع غیر تعرفه‌ای را بر جریان تجارت اندازه‌گیری می‌کند. این روش بر این عقیده است که موانع غیر تعرفه‌ای به وسیله اثرشان بر متغیرهای داخلی در مقایسه با متغیرهای مرجع (جهانی) قابل شناسایی و اندازه‌گیری هستند. کاربرد اصلی این روش در محاسبه معادلهای تعرفه‌ای است. با اینکه این روش از نگاه مفهومی از رویکرد اثر موانع غیر تعرفه‌ای بر تجارت نشأت گرفته است، می‌توان معادلهای تعرفه‌ای را به عنوان متغیر در مدل‌های تعادل جزئی و عمومی، که در اندازه‌گیری آثار رفاهی موانع غیر تعرفه‌ای تمرکز دارند، به کار گرفت (Beghin and Bureau, 2001).

معادل تعرفه‌ای از طریق محاسبه شکاف قیمتی بین کالاهای وارداتی و کالاهای مشابه داخلی محاسبه می‌شود. مقدار صحیح موانع غیر تعرفه‌ای از مقایسه قیمت‌های به وجود آمده در زمان نبود موانع غیر تعرفه‌ای با قیمت‌های داخلی در زمان وجود موانع غیر تعرفه‌ای با لحاظ تغییر نکردن قیمت پرداختی به عرضه‌کنندگان به دست می‌آید. اما آشکار است که این قیمت‌ها قابل مشاهده نیست و اندازه واقعی موانع غیر تعرفه‌ای با مقایسه قیمت‌های داخلی و جهانی در حضور موانع غیر تعرفه‌ای محاسبه می‌گردد. البته می‌توان با استفاده از مقادیر تجاری و کشش‌های عرضه و تقاضای کالاهای داخلی و وارداتی تعدیلهایی در قیمت‌ها در غیاب موانع غیر تعرفه‌ای ایجاد کرد (همان منبع).

---

<sup>۱</sup>. price-wedge method



قیمتهای داخلی کالای وارداتی باید با قیمتهای فاکتوری (مانند قیمت سیف) کالای وارداتی که به وسیله واردکنندگان داخلی به صادرکنندگان خارجی پرداخت می‌شود (هزینه‌های حمل و نقل را در بر می‌گیرد اما تعرفه‌ها را شامل نمی‌شود) مقایسه شود. چنانچه این قیمتها در دسترس نباشد می‌توان از اندازه‌های جانشین مانند قیمت واردات صادرکنندگان مختلف استفاده کرد. معادل تعرفه‌ای موانع غیر تعرفه‌ای از باقیمانده اختلاف قیمتی هنگامی که قیمتها به وسیله تعرفه، هزینه‌های حمل و نقل و کیفیتهای مختلف محصول تصحیح شود، به دست می‌آید (همان منبع). همچنین می‌توان با کسر کردن تعرفه از معادل کل موانع، معادل تعرفه‌ای موانع غیرتعرفه‌ای را به دست آورد.

نرخ معادل تعرفه‌ای براساس رابطه ۱ محاسبه می‌شود:

$$TE = \left[ \frac{(p_d - (p_w * ER))}{p_w * ER} \right] \times 100 \quad (1)$$

TF معادل تعرفه‌ای،  $P_d$  قیمت داخلی کالا (قیمت عمده فروشی)،  $p_w$  قیمت جهانی کالا (قیمت سیف)،  $ER$  نرخ ارز است.

روش اختلاف قیمتی با محدودیتهایی روبه‌روست. این روش امکان کمی کردن آثار مجموعه‌ای از موانع غیرتعرفه‌ای را فراهم می‌کند، اما قادر نیست تأثیر موانع غیرتعرفه‌ای مختلف را مجزا کند. رابطه بندی اندازه‌گیری موانع غیرتعرفه‌ای به عنوان درصد اختلاف قیمتی بین کالاهای وارداتی و داخلی، تنها تحت این فرض که کالاهای وارداتی و داخلی قابلیت جانشینی کامل دارند معتبر است. مقایسه بین قیمت داخلی و جهانی کالا ممکن است در نتیجه تفاوت‌های موجود در کششهای عرضه و تقاضا، کشورهای مختلف دچار محدودیت شود. امکان تأثیرپذیری این روش از میزان توانایی بنگاههای داخلی و بین‌المللی برای در اختیار داشتن رانتهای حاصل از موانع غیرتعرفه‌ای نیز وجود دارد و چنانچه بنگاههای صادرکننده بتوانند از تبعیض قیمتی استفاده کنند روش اختلاف قیمتی رانتهای را به جای موانع غیرتعرفه‌ای به کار می‌گیرد. اصلی‌ترین محدودیت این روش در زمینه کاربردی مربوط به مطالعات کلان است که در آنها داده‌های در دسترس غالباً خیلی تجمیع شده است. این داده‌ها قادر نیست

اختلاف کیفی کالاهای وارداتی را منعکس کند. در مطالعات کلان (داده های تجمعی) روش اختلاف قیمتی قابل اعتماد به نظر نمی رسد. حتی هنگامی که قیمتها در مرز کشور واردکننده مشتمل بر هزینه های حمل و نقل بین المللی در دسترس باشد، اختلاف قیمتی محاسبه شده هزینه های انتقال کالاها را از مرز به بازارهای عمده فروشی منعکس نمی کند. بر مجموعه این مشکلات باید ضعف این روش در محاسبه نادرست معادل تعرفه ای در زمان وجود رقابت ناقص و ناهمگنی کالاها را نیز افزود.

### رویکرد مبتنی بر سیاهه برداری<sup>۱</sup> یا معیارهای فراوانی<sup>۲</sup>

این روش امکان دسترسی به فراوانی و درصد واردات تحت پوشش قوانین محدودکننده تجاری را میسر می کند. در این روش سه منبع اطلاعاتی قابل استفاده است (Beghin and Bureau, 2001):

- داده های مربوط به قوانین از قبیل تعداد قوانین محدودکننده که در ایجاد شاخصهای آماری مختلف به کار می رود.

- داده های مربوط به فراوانی موانع

- داده های مربوط به تعداد شکایات در زمینه تبعیضات قانونی و گزارشهای بین المللی؛ شاخصهای فراوانی موانع غیر تعرفه ای که می توان به صورت ساده آنها را مورد استفاده قرار داد یا توسط واردات یا تولید به این داده ها وزن داد و به صورت وزنی از آنها استفاده کرد.

معیارهای فراوانی موانع غیر تعرفه ای عبارتند از: الف) تعداد محدودیتها ب) نسبت فراوانی تعداد گروههای مشمول موانع غیر تعرفه ای به عنوان درصدی از کل محصولات در طبقه بندی مورد نظر ج) نسبت واردات تحت پوشش نسبت فراوانی به صورت زیر محاسبه می شود:

---

۱. inventories-based approach

۲. frequency measures

$$F = \left[ \frac{\sum_{i=1}^T D_i N_i}{N_t} \right] \times 100 \quad (2)$$

که در آن F نسبت فراوانی،  $N_i$  کالای مورد نظر از گروه کالاهای مورد بررسی،  $D_i$  متغیرهای مجازی،  $N_t$  تعداد کل کالاهای مورد بررسی است. متغیرهای مجازی به صورت  $D_i = \begin{cases} 0 \\ 1 \end{cases}$  تعریف می شود و  $D_i=1$  است زمانی که کالای  $N_i$  حداقل دارای یک مانع غیر تعرفه‌ای باشد.

برای نسبت واردات تحت پوشش موانع غیر تعرفه‌ای می توان به جای تعداد کالاها از ارزش واردات تحت پوشش حداقل یک مانع غیر تعرفه‌ای استفاده کرد.

از جمله مشکلات این روش ناتوانی در تفکیک میزان اثرگذاری موانع بر بخشهای مختلف است. اما با این همه این روش می تواند فراوانی انواع مختلف موانع غیر تعرفه‌ای و میزان تولید و تجارت تحت پوشش موانع غیر تعرفه‌ای را مشخص کند.

اهمیت اساسی روش یادشده در واقع در ایجاد شاخصهایی است که می توان از آنها به عنوان متغیر در مدل‌های اقتصادسنجی سود جست. استفاده از اندازه های فراوانی به عنوان متغیر جانشین در مدل‌های اقتصاد سنجی یکی از راههایی است که اطلاعات زیادی در اختیار قرار می دهد.

### روش جاذبه‌ای<sup>۱</sup>

زمانی که مقصود، اندازه گیری و کمی سازی موانع غیر تعرفه‌ای باشد و از انواع تکنیکهای مختلف برای تشریح محدودیتهای تجاری، که با تعرفه ها قابل توضیح نیستند، بهره گرفته شود، یکی از روشها، بررسی باقیمانده مدل‌های رگرسیون است. مدل‌های جاذبه‌ای، اریب آثار مرزی تجارت را بررسی می کند.

مدل‌های جاذبه ای را اولین بار تینبرگن (Tinbergen, 1962) و پویهنن (Poyhenen, 1963) در تجارت بین الملل به کار بردند. اما پیش از آن نیز در مطالعات علوم

---

۱. gravity method

اجتماعی مورد استفاده قرار گرفتند، اگرچه در نیمه دوم سده ۱۹ میلادی در توضیح جریانهای اجتماعی و مهاجرت به کار رفتند.

مدلهای جاذبه‌ای مبتنی بر نظریه نیوتن هستند. بر مبنای نظریه جاذبه نیوتن ( $F_{ij}$ )، نیروی جاذبه بین دو توده ( $M_i$  و  $M_j$ ) با رابطه  $F_{ij} = \frac{G(M_i \times M_j)}{D_{ij}^2}$  اندازه‌گیری می‌شود. در این رابطه  $M_i$  و  $M_j$  دو کره هستند و  $D_{ij}$  مسافت (فاصله) بین دو کره و  $G$  ثابت جاذبه است. اقتصاددانان در دهه ۶۰ دریافتند که معادله  $F_{ij} = \frac{(M_i^a \cdot M_j^b)}{D_{ij}^2}$  می‌تواند جریان تجارت را به خوبی توضیح دهد. چنانچه  $F_{ij}$  جریان تجارت از منبع  $i$  تا مقصد  $j$  باشد،  $M_i$  و  $M_j$  اندازه‌های اقتصادی دو منطقه،  $D_{ij}$  فاصله بین دو منطقه و  $a$  و  $b$  مقادیر ثابت هستند. این مدل در اقتصاد تا مدتهای طولانی بدون پشتوانه نظری مورد استفاده قرار می‌گرفت تا اینکه اندرسون (Anderson, 1979) پایه نظری مرتبط با خصوصیات اقتصاد رقابت انحصاری برای آن ایجاد کرد. با ایجاد پایه نظری برای این مدل، روش جاذبه‌ای توسعه یافت.

باید دقت کرد که در این گونه مدلها کلیه متغیرهای مؤثر بر جریان تجارت در مدل لحاظ شود. رویکرد جاذبه‌ای سعی در اندازه‌گیری اثر موانع غیر تعرفه‌ای بر جریان تجارت دارد، از این رو ممکن است اثر موانع غیر تعرفه‌ای بر رفاه اجتماعی نادیده گرفته شود. این مدلها ممکن است نتوانند کل جریان تجارت را، حتی در غیاب موانع غیر تعرفه‌ای و دیگر عوامل مؤثر در آثار مرزی، توضیح دهند. همچنین این مدلها در اندازه‌گیری تأثیر موانع در تولیدات جزئی به فرضیات در نظر گرفته شده حساسند. از سویی چنانچه کلیه عوامل مؤثر بر جریان تجارت در مدل لحاظ نشود، نتایج گمراه‌کننده خواهد بود.

### روش پیمایشی<sup>۱</sup>

همان‌گونه که پیشتر گفته شد، رویکرد سیاهه‌برادری نمی‌تواند میزان اثرگذاری موانع غیر تعرفه‌ای را بر تجارت متمایز کند. اما با بهره‌گیری از رویکرد پیمایشی به راحتی می‌توان

---

۱. survey method

...

درجه اهمیت موانع غیر تعرفه ای و اثر گذاری آنها را بر جریان تجارت (با مورد سؤال قرار دادن فعالان عرصه تجارت که موانع غیر تعرفه ای اثر گذاری مستقیمی بر فعالیتشان دارد) بررسی کرد.

روش پیمایشی می تواند اطلاعات طبقه بندی شده ای از میزان اهمیت موانع غیر تعرفه ای به دست دهد. از این اطلاعات می توان در مطالعات اقتصادسنجی سود جست و به یافته های مفیدی دست یافت (Beghin and Bureau, 2001).

این روش بر مطالعات میدانی و تکمیل پرسشنامه متکی و در نبود دیگر منابع اطلاعاتی مفید است و می تواند به تشخیص و تعیین محدودیتها از نظر درجه سختی و محدود کنندگی کمک کند.

### کشش تقاضای وارداتی

روش دیگر در تعیین معادل تعرفه ای، استفاده از کشش تقاضای وارداتی است (رابطه ۳).

$$TE = \frac{\Delta Qm}{Qm} \times \frac{(1+t)}{z} \quad (3)$$

در این رابطه TE نرخ معادل تعرفه ای،  $\Delta Qm$  تغییرات واردات ناشی از موانع غیر تعرفه ای،  $Qm$  سطح واردات در زمان وجود موانع غیر تعرفه ای،  $t$  نرخ اسمی تعرفه و  $z$  کشش تقاضای واردات است.

همان گونه که مشاهده می گردد، در این روش برای محاسبه معادل تعرفه ای به برآورد مدل تقاضای وارداتی نیاز است و می باید موانع غیر تعرفه ای به طریقی مانند روش معیارهای فراوانی کمی گردد و در مدل لحاظ شود.

این روش در واقع رویکرد اقتصاد خرد در محاسبه معادلهای تعرفه ای است که با برآورد مدل و از طریق تغییر در واردات در نتیجه موانع غیر تعرفه ای سعی در معادلسازی موانع غیر تعرفه ای دارد. چنانچه بخواهیم مطالعه خود را در سطح خرد انجام دهیم، این رویکرد چندان مناسب به نظر نمی رسد، چرا که به تعداد محصولات تحت بررسی، نیازمند برآورد مدل

هستیم که این امر نیاز به آمار و اطلاعات بسیار زیادی دارد و عملی نیست. اما برای مطالعات کلان و یا مطالعه یک یا چند محصول استفاده از این روش ممکن است. این روش در واقع به جای تمرکز بر اختلاف قیمتی ایجاد شده در نتیجه موانع غیر تعرفه‌ای، که در روش اختلاف قیمتی مورد استفاده قرار می‌گیرد، تغییر در مقدار واردات در نتیجه موانع غیر تعرفه‌ای را بررسی می‌کند.

### روش بانک جهانی

روش دیگر در معادلسازی موانع غیر تعرفه‌ای، روش بانک جهانی است.

روش بانک جهانی به صورت زیر قابل محاسبه است (Jensen and Tarr, 2002):

$$P_m = P_w \times ER \{1 + TD + CP(1)\} \{1 + NTB\} \quad (4)$$

که در آن  $P_m$  قیمت کالای وارداتی در داخل کشور،  $P_w$  قیمت کالای وارداتی در مرز کشور واردکننده،  $ER$  نرخ ارز،  $TD$  حقوق گمرکی،  $CP(0)$  سود بازرگانی قبل از حذف موانع غیر تعرفه‌ای و  $NTB$  موانع غیر تعرفه‌ای است. پس از رفع موانع غیر تعرفه‌ای معادل آن به سود بازرگانی اضافه می‌گردد و سود بازرگانی به  $CP(1)$  افزایش می‌یابد (فرمول ۵).

$$P_m = P_w \times ER \{1 + TD + CP(1)\} \quad (5)$$

با مساوی قرار دادن روابط ۴ و ۵، معادل تعرفه‌ای موانع غیر تعرفه‌ای به صورت زیر قابل محاسبه است:

$$NTB = \frac{1 + TD + CP(1)}{1 + TD + CP(0)} - 1 = \frac{CP(1) - CP(0)}{1 + TD + CP(0)} \quad (6)$$

روش بانک جهانی و فرضیات آن دارای ابهامات چندی به شرح زیر است:

در روش بانک جهانی فرض شده است که در یک سال خاص با حذف موانع غیر تعرفه‌ای درصدی به عنوان معادل تعرفه‌ای این موانع به سود بازرگانی افزوده می‌شود که از طریق رابطه ۶ قابل محاسبه است. اما چنانچه درصد معادل تعرفه‌ای برای اضافه کردن به سود بازرگانی مشخص باشد (درصدی که برای به دست آوردن  $CP(1)$  باید به  $CP(0)$  اضافه شود) ضرورت استفاده از رابطه فوق چیست؟ به عبارت دیگر طبق استدلال بانک جهانی  $CP(1) - CP(0)$  در رابطه فوق نماینده معادل تعرفه‌ای موانع غیر تعرفه‌ای و از پیش مشخص است. همچنین در این روش مشخص نشده است که چرا موانع غیر تعرفه‌ای به صورت یک جزء بر کل قیمت

کالا بعد از اخذ سود بازرگانی و حقوق گمرکی اعمال شده است؛ به عبارت دیگر چرا به جای رابطه ۷، که صحیح تر به نظر می رسد، از رابطه ۶ استفاده شده است.

$$P_m = P_w \times ER \{1 + TD + CP(0) + NTB\} \quad (۷)$$

چنانچه ملاک عمل رابطه ۷ قرار گیرد رابطه ۶ به رابطه ۸ تغییر می یابد:

$$CP(1) - CP(0) = \text{معادل تعرفه ای موانع غیر تعرفه ای} \quad (۸)$$

در روش بانک جهانی حقوق گمرکی (TD) به واسطه این فرض که معادل تعرفه ای در یک زمان مشخص محاسبه خواهد شد، ثابت در نظر گرفته شده است، اما چنانچه بخواهیم از این رابطه با بهره گیری از اطلاعات تعرفه ای سال ۱۳۸۲ (سالی که موانع غیر تعرفه ای حذف گردید) و سال ۱۳۸۱ به محاسبه معادل تعرفه ای پردازیم (همانند مطالعه مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی<sup>۱</sup>)، در آن صورت دیگر فرض ثابت بودن TD معتبر نیست و رابطه ۶ به رابطه ۹ تغییر می یابد:

$$\text{معادل تعرفه ای} = \frac{CP(1) + TD(1) - CP(0) - TD(0)}{1 + TD(0) + CP(0)} = \frac{T(1) - T(0)}{1 + (TD(0) + CP(0))} \quad (۹)$$

که در این رابطه  $T(0)$  و  $T(1)$  به ترتیب تعرفه در سال ۱۳۸۲ و ۱۳۸۱ می باشد.

مجموع ایرادات فوق اعتبار علمی روش بانک جهانی را مخدوش می کند و لذا در استفاده از آن باید جانب احتیاط رعایت شود.

در ارزیابی کلی روشهای ارائه شده در این تحقیق می توان گفت که دسته ای از روشها، مانند معیارهای فراوانی و روش پیمایشی، تنها شاخصهایی عددی برای ارزیابی موانع غیر تعرفه ای به دست می دهند و مستقیماً اطلاعاتی از میزان تأثیر این موانع در جریان تجارت به دست نمی دهند.

گروهی دیگر از روشها، مانند مدلهای جاذبه ای و تحلیلهای اقتصاد خرد و تعادل عمومی، به ارزیابی تأثیر موانع غیر تعرفه ای جریان تجارت و رفاه می پردازند و عموماً از نتایج روش اندازه های فراوانی به عنوان متغیر در این مدلها استفاده می شود.

۱. به منبع مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی (۱۳۸۲) رجوع شود.

نهایتاً دسته دیگری از روشها، مانند روش بانک جهانی و شکاف قیمتی و کشش تقاضای وارداتی قادرند معیارهایی کمی، که نشاندهنده معادل تعرفه‌ای موانع غیر تعرفه‌ای است، به دست دهند.

در این تحقیق با توجه به نامناسب بودن روش بانک جهانی و زمانبر و هزینه بر بودن استفاده از روش کشش تقاضای وارداتی برای مطالعات محصولی، از رویکرد شکاف قیمتی برای محاسبه معادل تعرفه ای محصولات کشاورزی استفاده شد.

برای انجام تحقیق حاضر از آمار و اطلاعات سالهای ۱۳۷۶-۸۲ قیمت عمده فروشی و قیمت سیف وارداتی ایران و متوسط جهانی محصولات مورد مطالعه استفاده گردید. آمار مورد نیاز از سالنامه های آمار بازرگانی خارجی (واردات)، معاونت امور دام وزارت جهاد کشاورزی، سایت اینترنتی شرکت پشتیبانی امور دام و طیور، فائو و وزارت جهاد کشاورزی به دست آمد.

برای محاسبه قیمت عمده فروشی اکثر محصولات ابتدا از سایت وزارت جهاد کشاورزی (سیمای استانها) قیمت عمده فروشی محصولات استانهای مختلف برای سال ۱۳۸۱ استخراج شد، آنگاه متوسط کشوری محاسبه گردید و با استفاده از شاخصهای بانک مرکزی، قیمت‌های عمده فروشی برای دیگر سالهای مورد مطالعه استخراج شد. برای تعداد معدودی از محصولات نیز قیمت عمده فروشی برابر قیمت‌های تضمینی در نظر گرفته شد. قیمت عمده فروشی پایه محصولات دامی نیز از آمار و اطلاعات معاونت امور دام تهیه گردید. قیمت‌های سیف وارداتی برای ایران و جهان عمدتاً از سایت فائو استخراج شد و تنها برای معدودی از محصولات از سایر منابع اطلاعاتی مذکور استفاده گردید. در ضمن برای برخی از محصولات که ایران وارداتی نداشته از قیمت سیف پاکستان و ترکیه به عنوان جایگزین استفاده شد. باید گفت که به دلیل در اختیار نبودن آمار و اطلاعات، تحقیق در سطح کدهای ۴ رقمی (HS) صورت گرفت و مسئله همسانی و کیفیت‌های مشابه دو کالا (که در محاسبه معادل تعرفه ای بسیار مهم است) فدای ضعف در آمار و اطلاعات شد. در ضمن محاسبات نرخ تعرفه ای با نرخ آزاد ارز (بر گرفته از سایت بانک مرکزی) صورت گرفت.



## نتایج و بحث

برای محاسبه معادل تعرفه ای محصولات کشاورزی، ۵۱ محصول، که آمار و اطلاعات آنها وجود داشته مورد بررسی قرار گرفتند (جدول ۲). نتایج به دست آمده در مورد تولیدات گوشتی و لبنی نشان می دهد معادل تعرفه ای کل موانع این تولیدات (بجز تخم مرغ و عسل) در طول دوره مطالعه به شدت رشد کرده است. این امر باعث شده است معادل تعرفه ای این محصولات که در مطالعه که معاونت برنامه ریزی وزارت جهاد سازندگی در سال ۱۳۷۹<sup>۱</sup> در سالهای آغازین برای گوشت گاو و در کل دوره برای گوشت گوسفند و مرغ منفی به دست آمد، در دوره مورد مطالعه این تحقیق رو به افزایش گذارد به گونه ای که هم اکنون برای کلیه اقلام گوشتی معادل تعرفه ای مثبت است. در مورد اقلام لبنی نیز اگرچه هنوز معادل تعرفه ای منفی است، قدر مطلق آن در حال افزایش است و در صورت ادامه روند فعلی امکان دچار شدن تولیدات لبنی به وضعیتی مشابه تولیدات گوشتی وجود دارد.

وضعیت فوق نشان می دهد که اگرچه در سالهای گذشته تولید گوشت با قیمتهای پایین تر از قیمت جهانی در ایران امکانپذیر بوده و اعمال تعرفه ها بر این محصول را نمی توان حمایت از آن تلقی نمود، اما رشد مدام و شدید قیمت این محصولات باعث شده است هم اکنون این محصولات در مقابل واردات نیاز به حمایت تعرفه ای داشته باشند.

در مورد بیشتر سبزیها نیز روندی افزایشی بر معادلهای تعرفه ای حاکم بوده است، بر اساس قیمت سیف ایران، معادل تعرفه ای محصولات نظیر انواع لوبیا، پیاز، گوجه فرنگی، هویج و سیب زمینی در تمام سالها یا سالهای انتهایی دوره مثبت بوده، در حالی که معادل تعرفه ای خیار، سیر، هندوانه، خربزه و نخود در تمام دوره یا سالهای پایانی دوره منفی بوده است. در مورد میوه ها و خشکبار معادلهای تعرفه ای محاسبه شده با قیمت سیف کشورهای ترکیه و پاکستان نتایج چندان قابل اعتمادی از حیث علامت و مقدار به دست نداد، در حالی

---

۱. به منبع وزارت جهاد سازندگی، معاونت برنامه ریزی و امور مجلس (۱۳۷۹) رجوع شود.

که معادلهای تعرفه ای محاسبه شده با متوسط سیف جهانی منطقی تر به نظر می رسد. بر این اساس، در میان میوه‌ها به جز ۴ قلم (پسته، مغز گردو، گلابی و مغز بادام) معادل تعرفه ای سایر میوه‌ها منفی شده است. معادل تعرفه ای مغز بادام و پسته به جز در یک سال، در بقیه سالها مثبت و معادل تعرفه ای مغز گردو و گلابی در سالهای پایانی دوره مثبت گردیده است. با توجه به قدرت رقابتی ایران در تولید محصولات باغی، منفی شدن معادل تعرفه ای اکثر میوه‌ها قابل انتظار می باشد. منفی شدن معادل تعرفه ای پسته، علی رغم سازگاری آن با نتیجه مطالعه پرمه و سیدی (۱۳۸۲)، با توجه به مزیت بالای ایران در تولید این محصول و نقش اثرگذار در بازار جهانی آن، غیر قابل انتظار است. از این رو قیمت عمده فروشی داخل یا قیمت جهانی، که تا حد زیادی تحت تأثیر قیمت پسته ایران است، مخدوش به نظر می رسد.

بررسی معادل تعرفه ای غلات، دانه‌های روغنی و سایر محصولات نشان می دهد که در مورد محصول گندم معادل تعرفه ای روندی افزایشی داشته و سیاست قیمت تضمینی در جهت حمایت از این محصول تغییر کرده است. در مورد انواع برنج، ذرت و سویا نیز معادلهای تعرفه‌ای مثبت و نشاندهنده حمایت قیمتی از این محصولات بوده است. معادل تعرفه ای محصولاتی نظیر چای، پنبه و شکر نیز منفی بوده که در مورد پنبه نشان از سیاست نامناسب قیمت تضمینی داشته است.

مقایسه بین متوسط و روند مانع تعرفه ای و معادل تعرفه ای کل در دوره مورد مطالعه نبود رابطه‌ای معنادار را بین آنها نشان داده، به گونه ای که در برخی از محصولات (به عنوان نمونه گوشت گاو و گوسفند) مانع تعرفه‌ای بسیار کمتر از معادل تعرفه‌ای کل و در بیشتر موارد معادل تعرفه ای کل منفی بوده، در حالی که متوسط مانع تعرفه ای مثبت و بسیار بیشتر از معادل تعرفه ای بوده است. ناسازگاری بین مانع تعرفه ای و معادل تعرفه ای باعث شده است در مورد برخی محصولات سهم عمده حمایت مرزی به موانع غیر تعرفه ای منتقل شود و در محصولات دیگر نیز استفاده از موانع غیر تعرفه ای و سطح بالای تعرفه‌ها تأثیری در کنترل مرزی و تحدید واردات نداشته باشد.

## جمع‌بندی

...  
- روشهای کمی سازی موانع غیر تعرفه‌ای را با توجه به هدف کمی سازی می توان در دو گروه جای داد. چنانچه هدف از کمی سازی، اندازه گیری اثر موانع غیر تعرفه‌ای بر جریان تجارت باشد از یک دسته از روشها استفاده می شود و چنانچه هدف، کمی سازی آثار موانع غیر تعرفه‌ای بر رفاه باشد، دسته‌ای دیگر از روشها را می توان به کار گرفت. از جمله روشهایی که در دسته اول (اندازه گیری اثر موانع غیر تعرفه‌ای بر تجارت) قرار می گیرد می توان به روشهای شکاف (اختلاف) قیمتی، روش پیمایشی و مدل‌های جاذبه‌ای اشاره کرد. روشهای آمار مقایسه‌ای، تحلیل هزینه و فایده و تجزیه و تحلیل تعادل عمومی از جمله روشهایی هستند که در دسته دوم (اندازه گیری اثر رفاهی موانع غیر تعرفه‌ای) کاربرد دارند.

- برخی از روشها مانند معیارهای فراوانی و روش پیمایشی تنها شاخصهایی عددی برای ارزیابی موانع غیر تعرفه‌ای ایجاد می کنند و مستقیماً اطلاعاتی از میزان تأثیر این موانع در جریان تجارت به دست نمی دهند. روشهایی مانند مدل‌های جاذبه‌ای و تحلیل‌های اقتصاد خرد و تعادل عمومی به ارزیابی تأثیر موانع غیر تعرفه‌ای در جریان تجارت و رفاه می‌پردازند و عموماً از نتایج روش اندازه‌های فراوانی به عنوان متغیر در این مدلها استفاده می شود. نهایتاً دسته دیگری از روشها مانند روش بانک جهانی، شکاف قیمتی و کشش تقاضای وارداتی قادرند اندازه‌های مفیدی، که نشان‌دهنده معادل تعرفه‌ای موانع غیر تعرفه‌ای باشد، به دست دهند.

- با توجه به غیرمناسب ارزیابی شدن روش بانک جهانی و بیش از اندازه زمانبر و هزینه‌بر بودن روش کشش تقاضای وارداتی برای مطالعات محصولی، رویکرد شکاف قیمتی، علی‌رغم مشکلات آن، هنوز مناسبترین روش برای محاسبه معادل تعرفه‌ای در مطالعات محصولی به نظر می رسد.

- مهمترین مشکل در محاسبه معادل‌های تعرفه‌ای برای محصولات، تهیه آمار و اطلاعات قابل اعتماد و در حد امکان جزئی است.

- با توجه به در اختیار نبودن آمار و اطلاعات قابل اعتماد و تغییر پذیری قیمت‌ها و اتکای روش شکاف قیمتی به قیمت‌های داخلی و جهانی و تفاوت‌های کیفی و ناهمسانی کامل

محصولات مورد مطالعه، اتکای صرف به محاسبه معادل تعرفه ای برای اعمال حمایت‌های تعرفه‌ای به تنهایی مناسب و مثمر ثمر نیست.

- معادلهای تعرفه ای محاسبه شده نشان می دهند که در اکثر محصولات روندی افزایشی بر معادلهای تعرفه ای حاکم بوده است. بررسی قیمت محصولات نشان می دهد عدم برنامه ریزی صحیح در بعد تولید و کنترل نشدن هزینه های تولید و تورم حاکم بر کشور سهم عمده ای در این زمینه داشته است.

- نتایج معادل تعرفه ای در مطالعات مختلف از حیث علامت عمدتاً سازگارند اما از لحاظ عددی متفاوتند<sup>۱</sup>.

- استفاده از قیمت‌های تضمینی در محاسبه معادل تعرفه ای محصولات باعث کم برآورد شدن معادل تعرفه ای می گردد.

- وضعیت معادل تعرفه ای با استفاده از روش شکاف قیمتی نشان می دهد که تولیدات گوشتی، غلات، برخی از سبزیها و حبوبات در تمام دوره یا در سالهای پایانی معادل تعرفه‌ای مثبت داشته‌اند.

- معادل تعرفه ای بیشتر محصولات باغی، تولیدات لبنی و تخم مرغ و عسل و برخی از سبزیها منفی بوده است.

- معادلهای تعرفه ای به دلیل روند ناپایدار قیمت‌های کشاورزی، دچار تغییرات نسبتاً زیادی بوده‌اند.

- مقایسه بین میزان و روند موانع تعرفه ای و معادلهای تعرفه ای گویای ناسازگاری و نبود رابطه معنادار بین آنهاست.

### پیشنهادها

- استفاده از روش شکاف قیمتی به عنوان کاربردی ترین روش موجود برای محاسبه معادل تعرفه ای، نیازمند آمار و اطلاعات دقیق و جزئی است. لذا پیشنهاد می گردد آمار و

---

۱. از این دست مطالعات می توان به مطالعه کمیجانی و همکاران (۱۳۸۰)، پر مه و سیدی (۱۳۸۲) و حسینی و فاضل (۱۳۸۲) اشاره کرد.

...

اطلاعات (تا حد امکان جزئی)، قیمت عمده فروشی و خرده فروشی محصولات توسط اداره آمار و اطلاعات وزارت جهاد کشاورزی جمع آوری گردد.

- مقادیر معادل تعرفه ای محصولات در مطالعات مختلف به دلایلی مانند تفاوت منابع آماری و ناهمسانی محصولات مورد مطالعه متفاوت است. از این رو در وضع تعرفه بر محصولات نمی توان تنها شکاف قیمتی (معادل تعرفه ای) محصولات را ملاک عمل قرار داد و لازم است در کنار نتایج معادل تعرفه ای، به وضعیت بازارهای داخلی و جهانی محصولات توجه بیشتری شود.

- از استفاده از قیمت تضمینی به جای قیمت عمده فروشی در محاسبه معادل تعرفه ای محصولات در حد امکان پرهیز شود.

- چنانچه هدف، تولید داخلی محصولات گوشتی است، با روند فعلی حاکم بر تولید داخلی این محصولات تحقق چنین امری مشکل است. لذا پیشنهاد می گردد با تدوین برنامه ای درازمدت در جهت کاهش هزینه های آنها اقدام کرد و امکان رقابت در عرصه جهانی را برای آنها فراهم نمود.

- روند حاکم بر معادل تعرفه ای غالب محصولات کشاورزی افزایشی است. با توجه به جهتگیری قوانین و مقررات جهانی به سمت کاهش تعرفه ها، برنامه ریزی به منظور کاهش هزینه تولید محصولات کشاورزی (مزیت دار) و افزایش قدرت رقابتی آنها در جهت باقی ماندن در عرصه رقابت جهانی ضروری است.

- منطقی و مناسبتر کردن سیاستهای تجاری با در نظر گرفتن وضعیت قیمتهای داخلی و جهانی در وضع تعرفه ها لازم است.

- نظر به روند افزایشی حاکم بر معادل تعرفه ای محصولات، در پیش گرفتن سیاستهای تجاری و ارزی هماهنگ و انتخاب ابزارهای مناسب تعرفه ای به منظور استحکام بخشیدن به دیوار تعرفه ای در شرایط تثبیت تعرفه ها ضروری است.

\_\_\_\_\_

...

## منابع

۱. اداره کل مقررات صادرات و واردات، مقررات صادرات و واردات و جداول ضمیمه آن (۸۳-۱۳۷۶)، شرکت چاپ و نشر وزارت بازرگانی.
۲. پرمه، ز. و م. ه. سیدی (۱۳۸۲)، سیاستهای حمایتی، دیدگاههای بین المللی و کشاورزی ایران، مجموعه مقالات نخستین همایش کشاورزی و توسعه ملی، جلد ۳: کشاورزی و جهانی شدن اقتصاد، مؤسسه پژوهشهای برنامه ریزی و اقتصاد کشاورزی، چاپ اول، تهران.
۳. حسینی، م. ع. و م. فاضل (۱۳۸۲)، سیاست تجارت کشاورزی ایران در فرآیند جهانی شدن، مجموعه مقالات نخستین همایش کشاورزی و توسعه ملی، جلد ۳: کشاورزی و جهانی شدن اقتصاد، مؤسسه پژوهشهای برنامه ریزی و اقتصاد کشاورزی، چاپ اول، تهران.
۴. سازمان برنامه و بودجه (۱۳۸۲)، قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۷۹-۱۳۸۳)، سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، چاپ اول، تهران.
۵. کمیجانی، اکبر و همکاران (۱۳۸۰)، مقررات دسترسی به بازار محصولات کشاورزی در موافقت نامه عمومی تعرفه و تجارت و اثرات آن بر اقتصاد کشاورزی ایران، وزارت جهاد کشاورزی، مؤسسه پژوهشهای برنامه ریزی و اقتصاد کشاورزی، چاپ اول.
۶. گمرک جمهوری اسلامی، سالنامه آمار بازرگانی خارجی جمهوری اسلامی ایران (واردات) (۸۲-۱۳۷۶)، دفتر آمار و خدمات ماشینی گمرک جمهوری اسلامی ایران، تهران.
۷. مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی (۱۳۸۲)، معاونت پژوهش های بازرگانی - اقتصادی، چارچوب کلی برای منطقی کردن تعرفه های کشور.



...

۸. وزارت جهاد سازندگی (۱۳۷۹)، معاونت برنامه ریزی و امور مجلس، بررسی تبعات عضویت ج.ا.ا. در سازمان جهانی تجارت (WTO): محاسبه میزان کل حمایت (AMS) و معادل تعرفه‌ای در زیربخش دام و طیور (گوشت قرمز، شیرخام، گوشت مرغ، تخم مرغ و عسل)، ج. ۱۲.

9. Anderson, J.E. (1979), A theoretical foundation for the gravity equation, *American Economic Review*, 69, 106-116.

10. Baldwin, R. (1970), Non tariff distortions in international trade, Brookings Institution, Washington.

11. Beghin, J. C. and J. C. Bureau (2001), Measurement of Sanitary, Phytosanitary and Technical Barriers to Trade, A consultants report Prepared for the Food, Agriculture and Fisheries Directorate, OECD.

12. Bora, B. (2003), The quantification and impact of non-tariff measures, Published in OECD tool kit for trade policy markets II, The market access in the development Agenda, Paris: OECD.

13. Deardorff, A. and R. Stern (1997). "Measurement of Non-Tariff Barriers", OECD Economics, Department Working Paper No. 179, Paris, OECD.

14. Hillman, J. S. (1991), Technical barriers to agricultural trade, West View Press, Boulder.

15. Jensen, J. & D. Tarr (2002), Trade, foreign exchange and energy policies in the Islamic Republic of Iran, Reform Agenda, Economic implication and impact on the Poor, World Bank.

16. Laird, Sam and René Vossenaar (1991), "Porqué nos preocupan las bareras no arancelarias?", *Informacion Comercial Española*, Special issue on non-tariff barriers, November, pp.31-54.
  17. Movchan, V. and I. Eremenko (2003), "Measurement of non-tariff barriers: The case of Ukraine", prepared for the fifth annual conference of the European Trade Study Group(ETSG), September 11-13, 2003, Madrid, Spain.
  18. Poyhonen, P. (1963), "A tentative model for the volume of trade between countries", *Welwirtschaftliches Archiv* 90,1: 93-99.
  19. Tinbergen, J. (1962), *Shaping the world economy; suggestions for an international economic policy*, New York: Twentieth Century Fund.
-